



ISSN:2588-7033



Philosophy and Concept of the Holy Battle in the Bhagavad Gita from Abul A'la Maududi's Perspective

Khadijeh Alemi ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

KEYWORDS

Bhagavad Gita, holy battle, Abul A'la Maududi, Hinduism, Islam

Received: 11 October 2024;

Accepted: 01 March 2025

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/hsow.2025.2043191.1576

ABSTRACT

At the beginning of the 20th century, the Indian subcontinent was politicized by religious arguments. This led to the emergence of jihadist and radical movements among Muslims and Hindus. One of the most important elements of these movements is the concept of jihad or holy war. Abul A'la Maududi was among the Muslim thinkers who wrote the book *Al-Jihad in Islam* in defense of Islam and against Hinduism, focusing on the holy war. He dedicated parts of the book to the philosophy of war in Hindu texts such as the Bhagavad Gita. Therefore, this question arises as to how Maududi evaluated the philosophy of holy war in the Bhagavad Gita. Using the just war hypothesis and the descriptive-analytical method, it has been argued that Maududi's interpretation of the philosophy and concept of holy war in the Bhagavad Gita was based solely on the concept of reincarnation in Hinduism, and on this basis, it was concluded that the Bhagavad Gita has been drawn into apocalypticism in its description of holy war. This research found that the philosophy and concept of the holy battle in the Bhagavad Gita aimed to move the Kshatriya class from social traditions to divine laws and traditions.

* Corresponding author.

E-mail address: alemi1900@ut.ac.ir

©Author





فلسفه و مفهوم نبرد مقدس در بهگودگیتا از دیدگاه ابوالاعلی مودودی

خدیجه عالمی^{الف}

الف استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، alemi1900@ut.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
بهگود گیتا، نبرد مقدس، ابوالاعلی مودودی، هندوئیسم، اسلام	در آغاز قرن بیستم، جامعه‌ی شبه قاره هند دچار سیاست‌زدگی در نحوه‌ی استدلال‌ات دینی بود. این امر منجر به ظهور جنبش‌های جهادی و افراطی میان مسلمانان و هندوان در این منطقه گردید. از مهمترین عناصری که در این جنبش‌ها مورد توجه قرار گرفت، مفهوم جهاد یا نبرد مقدس است. ابوالاعلی مودودی از جمله اندیشمندان مسلمان بود که در دفاع از اسلام و علیه هندوئیسم به تحریر کتاب «الجهاد فی الاسلام» با محوریت نبرد مقدس پرداخت. وی بخش‌هایی از کتاب را به فلسفه نبرد در متون هندویی مانند کتاب بهگودگیتا اختصاص داد. در پژوهش حاضر، این سوال مطرح است که مودودی، فلسفه نبرد مقدس در بهگودگیتا را چگونه ارزیابی کرده است. با استفاده از فرضیه‌ی نبرد عادلانه و روش توصیفی-تحلیلی به این مدعا پرداخته شده است که خوانش مودودی در تفسیر فلسفه و مفهوم نبرد مقدس در بهگودگیتا تنها با تکیه بر مفهوم تناسخ در آیین هندو بوده و بر این اساس به این نتیجه رسیده که بهگودگیتا در تشریح نبرد مقدس به اباحی‌گری کشیده شده است. این پژوهش به این دستاورد دست یافته که فلسفه و مفهوم نبرد مقدس در متن بهگودگیتا به منظور عبور طبقه کشاتریا از سنن اجتماعی به سوی قوانین و سنن الهی بوده است.

مقدمه

جنگ و نبرد از جمله‌ی پدیده‌های اجتماعی است که به اشکال گوناگون در طول تاریخ ظهور یافته و همواره مفاهیم آن مورد مناقشه بوده است. لیکن به طور کلی خصائص یکسانی را برای آن عنوان نموده‌اند؛ خشونت‌آمیز بودن، هدف‌مند بودن و سازماندهی داشتن، از جمله مهمترین ویژگی‌های نبردهای میدانی است (عبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۰-۴۱؛ شیرودی، ۱۳۸۴: ۳؛ مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۱: ۶). جنگ به دلیل ماهیت خشونت‌آمیز آن، در تئوری‌های اجتماعی مورد توجه علمای اخلاقی و الهیات قرار گرفته است. یکی از مهمترین افرادی که به مفهوم جنگ از منظر الهیاتی توجه نشان داده، سنت آگوستین روحانی مسیحی است. وی در نظریه «جنگ عادلانه» مفهوم نبرد را به کمک مفاهیم اخلاقی و الهیات مسیحی مورد بازبینی قرار داد. او نبردی را عادلانه می‌پندارد که آغازگر آن، نه تنها از مشروعیت الهی برخوردار باشد، بلکه هدف وی از آغاز نبرد اجرای عدالت اجتماعی بر مبنای توحید الهی باشد. وی نبرد عادلانه را دارای سه ویژگی عمده «اخلاق و عدالت»، «قوانین طبیعی و زمانی» و «مشترک المنافع» دانسته است. در حقیقت نبرد عادلانه به منظور رهایی از زندگی مادی و دستیابی به حیات معنوی تعریف می‌شود (عالم، ۱۳۷۶: ۲۲۹). از منظر سنت آگوستین شاکله حیات مادی بر محور گناه اول انسان بنا شده و چیزی جز بردگی نیست. او می‌نویسد: «انسان پس از

معصیت و هبوط، گرفتار بردگی و مالکیت خصوصی و دولتی شد» (بازنوبکر، ۱۳۵۸: ۲۸۸). بدین منظور تلاش آگوستین در تبیین امر اخلاقی و چگونگی تشکیل مدینه فاضله (مشترک المنافع) بر اساس آن استوار شد. از این رو جنگ عادلانه شکلی از امر اخلاقی تلقی گردید که از سوی جامعه صالح بر جوامع دیگر تحمیل می‌شد.

هر چند نبرد عادلانه را اولین بار آگوستین تبیین نمود، قبل از وی نیز می‌توان نشانه‌هایی از آن یافت. یکی از قدیمی‌ترین متونی که در باب نبرد عادلانه نکاتی را مطرح کرده کتاب بهگودگیتا (سرود خدایان) است. این اثر از جمله متون مقدس هندوان و مهم‌ترین و اسرارآمیزترین بخش حماسه هندی موسوم به «مهابهاراتا» است که از دو کلمه‌ی «بهگوان» به معنی «خداوند» و «گیتا» به معنی «سرود و نغمه» تشکیل شده و شامل ۱۸ فصل و دربرگیرنده‌ی حدود ۷۰۰ بیت است. داستان این کتاب شرح نبرد کوروشترا (نبرد دو طایفه پاندو و کورو) است؛ چنان‌که آرجونا از فرماندهان پاندو در حین نبرد دچار تردید شده و از کشتار اندوهگین می‌شود. کریشنا از خدایان هندو و یکی از مظاهر ویشنو (در تجسم ارباب‌ران وی)، آرجونا را مرحله به مرحله راهنمایی می‌کند تا بر تردید خود غلبه کند. ثمره این همراهی، واقف شدن آرجونا بر قضای الهی و تسلیم در برابر تقدیر است. در این کتاب، شیوه‌های نبرد عادلانه تشریح شده است و گونه‌ای تفکر اخلاقی - الهی در صحنه نبرد در آن دیده می‌شود.

در قرن بیستم میلادی و با اوج‌گیری دو نهضت خلافت در میان مسلمانان و شووینیسم در میان هندوها، فهم ناهنجاری در باب جهاد در اسلام شکل گرفت؛ به گونه‌ای که برخی علمای مسلمان را واداشت تا در برابر هجمه‌ی تبلیغاتی هندوئیسم، کتاب‌هایی را در این زمینه بنگارند. یکی از این افراد ابوالاعلی مودودی است که در سال ۱۹۲۸ م کتاب «الجهاد فی الاسلام» را به زبان اردو منتشر کرد. وی در این کتاب به تشریح نظریه دین اسلام در باب جهاد و همچنین دیدگاه ادیان مسیحی، یهودی و هندویی در این باره پرداخت؛ چنان‌که شواهد و قرائنی را از کتاب گیتا اخذ و روایتی متفاوت را از دیدگاه هندوها در باب نبرد عادلانه ارائه داد. بر این اساس این سؤال مطرح است که شاخص‌های ارزیابی فرضیه مودودی در باب جنگ عادلانه در بهگودگیتا چیست و بر اساس شواهد و قرائن چگونه می‌توان آن‌ها را تأیید و یا رد کرد؟

پیشینه پژوهش

در باب موضوع پژوهش، اثری مستقل به زبان فارسی به رشته تحریر در نیامده است. تنها دو پایان‌نامه به شکل کلی، نظریات مودودی را دسته‌بندی و گردآوری کرده‌اند. «فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جماعت اسلامی در پاکستان (۱۹۸۹-۱۹۴۲ م)» نوشته یوسف حیدرنژاد و «نقد و بررسی اندیشه‌های ابوالاعلی مودودی» از مهدی تیموری بازگری، از جمله پایان‌نامه‌هایی هستند که به بحث جهاد اسلامی از منظر مودودی پرداخته‌اند. در این میان مقاله‌ای به زبان روسی با عنوان «ДЖИХАД В ТРУДАХ АБУ АЛЯ АЛЬ-МАУДУДИ» (جهاد در آثار ابوالاعلی مودودی) از قدیروف به مبحث جهاد در آثار مودودی پرداخته است. همچنین برخی مقالات انگلیسی از جمله «Ethics of War and Ritual: The Bhagavad-Gita and Mahabharata as Test Cases» نوشته‌ی متیو کسوتا، به مبحث جنگ در گیتا توجه نموده‌اند. در این مقاله مفهوم نبرد مقدس در کتاب گیتا و مهابهاراتا مورد تحلیل قرار گرفته است. مقاله دیگر با عنوان «The Bhagavad Gita – The Politics of Interpretation and its Interpretation in Politics» نوشته‌ی ماهوا دوتا است که در تشریح رویکردهای نظری در سیاست، به کتاب گیتا توجه نشان داده است. تفاوت اصلی این مقاله با پیشینه پژوهش، در اعتبارسنجی دیدگاه

ابوالاعلی مودودی درباره نبرد مقدس در بهگودگیتا است.

۱. زمینه‌های شکل‌گیری نظریه مودودی در باب مفهوم نبرد مقدس در بهگودگیتا

۱.۱. جنبش خلافت

ابوالاعلی مودودی از بانیان نوسلفی‌گری معاصر است که در ۱۹۰۳م در اورنگ‌آباد دکن زاده شد. (حیدرنازاد، ۱۳۹۹ الف: ۳؛ حیدرنازاد، ۱۳۹۹ ب: ۳۱) مودودی پایه فکری را از آموزش‌های پدر اخذ نمود و با ورود به دنیای روزنامه‌نگاری بر توانایی او افزوده شد. بن‌مایه تفکر دینی مودودی به‌دنبال جنبش‌های ملی - مذهبی مسلمانان و هندوان علیه بریتانیا شکل گرفت. در این راستا وی با تشویق محمدعلی جوهر رهبر جنبش خلافت، به نگارش کتابی با عنوان «الجهاد فی الاسلام» پرداخت (تیموری بازگری، ۱۳۸۷: ۲۹). اقبال لاهوری در باب این کتاب می‌گوید: «این یکی از بهترین نوشته‌ها در زمینه‌ی ایدئولوژی اسلامی، جهاد و قانون صلح و جنگ است. به هر فرد آگاه توصیه می‌کنم که آن را مطالعه کند» (مجهول، «تعارف بانی جماعت سید ابوالاعلی مودودی»، jamaat.org، ۱۳۹۹/۲/۶). بر این اساس به منظور درک فهم مودودی در باب جنگ مقدس در گیتا، می‌بایست به انگیزه‌ها و اهداف مودودی توجه شود. این امر موجب فهم ساختار اجتماعی شبه‌قاره‌هند و زمینه‌ای جهت اعتبارسنجی صحیح از نظریات وی خواهد شد.

اولین زمینه‌ی مهم در فهم چرایی توجه مودودی به مفهوم نبرد مقدس در بهگودگیتا، جنبش خلافت و چارچوب‌های اجتماعی مطرح شده در آن است. جنبش خلافت جنبشی بر اساس اسلام و ملیت هندی به منظور حمایت از خلافت عثمانی بود. غلبه‌ی نگرش اتحاد اسلام از شاخصه‌های مهم این جنبش است (Ozcan, 1997: 40; Aziz, 1967: 123-126). از این رو تلاش آنان اغلب در جهت حفظ نهاد خلافت در چارچوب اتحاد اسلام تعریف شد. رهبران جنبش خلافت حفظ دولت عثمانی و تمامیت ارضی آن، دفاع از اماکن مقدس اسلامی و دستیابی به سواراج را به عنوان اهداف خود مدنظر قرار دادند (هاردی، ۱۳۶۹: ۳؛ مشیرالحسن، ۱۳۶۷: ۳۰-۱۱). قرار گرفتن سواراج یا حکومت خودی در اهداف جنبش خلافت، بیشتر به منظور شکل‌گیری اجماع میان مسلمانان و هندوان علیه انگلیس بود. از این رو، پس از آن که گاندی به ریاست کنفرانس برگزیده شد، اتحاد میان مسلمانان و هندوان در باب خلافت عثمانی اعلام شد (Jalal, 2000: 201). با این همه پایداری جنبش خلافت به دلیل فروپاشی عثمانی عملاً ممکن نشد. به نظر می‌رسد گاندی با اطلاع از وضعیت دولت عثمانی، حاضر به ادامه‌ی همکاری با جنبش نشد و از آن کناره‌گیری کرد (خورشید و راؤ، ۱۹۹۳: ۱/۱۷۳-۱۷۴) در حقیقت باید واکنش گاندی را در رویکرد و طرز تفکر وی جست و جو کرد. وی به عدم خشونت اعتقاد داشت و بهانه اصلی او برای کناره‌گیری از جنبش، کشته شدن ۲۲ پلیس به دست دهقانان معترض در ۲۲ فوریه ۱۹۲۲م بود که به واقعه چوری‌چورا معروف است (همان). بعدها مسلمانان از جمله ابوالاعلی مودودی، عمل وی را حرکتی خائنانه تلقی نمودند و آن را عامل اصلی شکست جنبش دانستند.

مودودی در فاصله‌ی ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۴م در جنبش مذکور شرکت فعال داشت و زمینه‌های تفکر ضد ملی‌گرایانه‌ی وی از همین زمان شکل گرفت. وی همکاری جمعیت علمای هند با حزب کنگره را برنتابید و از سردبیری روزنامه/الجمعیت متعلق به جمعیت علمای هند استعفا داد و به روزنامه همدرد که توسط محمدعلی جوهر اداره می‌شد، پیوست. جوهر از جمله رهبران جنبش خلافت بود که پس از فروپاشی خلافت عثمانی به کار خود ادامه داد و از پیوستن به کنگره ملی هند خودداری ورزید. به نظر می‌رسد نوع نگاه مودودی به کنگره و سیاست عملی گاندی در آن دوران، بر فهم وی در باب متون هندو تأثیرگذار بوده است.

۱.۲. نظریه ساتیاگراها

ساتیاگراها نامی است که گاندی به فلسفه عملی خود در مواجهه با استعمار به کار برد. این واژه به پرهیز از خشونت و مقاومت مدنی اشاره دارد؛ و به لحاظ ساختار دستوری، شامل دو بخش «ساتیا» به معنای «حقیقت» و «گراها» به معنای «پافشاری و مقاومت» است. گاندی ساتیا را به معنای عشق و گراها را به معنای نیرو معرفی نموده و معتقد است که ساتیاگراها به معنای نیرویی است که از عشق زاده می‌شود (Johnson, 2006: 164). سخن گاندی بیشتر بر متون فلسفی هندو مانند بهبودگیتا استوار است. گاندی در فرضیه ساتیاگراها به نیروی عشق تأکید فراوان داشت و راه دستیابی به آن را در روش آهیمسا جست و جو می‌نمود. پیش از گاندی برخی سران کنگره ملی هند دیدگاه‌های متفاوتی را بر اساس کتاب بهبودگیتا ارائه نمودند. به نظر می‌رسد شباهت رویکرد گاندی در تفسیر بهبودگیتا به تفاسیر رقبایش (از جمله تیلاک) از یک سو و کناره‌گیری گاندی از جنبش خلافت از سویی دیگر، موجب سوءفهم مودودی از تفسیر جهاد در بهبودگیتا از منظر هندوئیسم شد. کناره‌گیری گاندی از جنبش خلافت بر اساس تفکر آهیمسا و عدم خشونت و پس از واقعه‌ی چوری چورا اتفاق افتاد. در حقیقت مودودی رویکردهای ملی‌گرایانه تیلاک را (در تفسیر نبرد مقدس) با فهم گاندی از بهبودگیتا یکسان شمرد و کناره‌گیری گاندی از جنبش خلافت را یک خیانت سیاسی و گرایش او به ملی‌گرایی هندویی تلقی کرد. از این رو مودودی میان تفاسیر گاندی و تیلاک از بهبودگیتا تفاوتی قائل نشد و این امر در فهم وی از فلسفه نبرد مقدس در بهبودگیتا مؤثر واقع شد.

تیلاک در آغاز قرن بیستم میلادی تفسیری بر کتاب بهبودگیتا نگاشت که دیدگاه اجتماعی وی را تقویت نمود و حمایت سیاسی روشنفکران هندو را به خود جلب کرد (Dutta, 2014: 334). در حقیقت دو تفسیر متفاوت از کتاب بهبودگیتا (تفسیر تیلاک و گاندی) در دسترس عموم قرار گرفت.

تیلاک بر مفهوم جامعه تأکید بیشتری داشت و از این رو تلاش او به بسیج عمومی و اصرار بر سنت‌ها و فرهنگ هندویی استوار بود. چنانکه برگزاری جشن‌های ده روزه گانش را به او منتسب می‌کنند. همچنین وی برای ایجاد همبستگی، چاتورتی و شیواجی را به عنوان نمادی از قدرت و شکوه جامعه ماراتی‌ها اعلام نمود. با این همه وی اصلاحات سیاسی را بر دیگر مسائل برتری داد و معتقد بود تا حاکمیت سواراج ایجاد نگردد اصلاحات اجتماعی بی‌معنا خواهد بود. وی دو عنصر دانش و تهی کردن نفس از امیال را لازمه‌ی تفسیر و عبادت را وسیله‌ای جهت به دست آوردن علم دانست (Dutta, 2014: 335).

۱.۳. جنبش شودی

عامل دیگر که بر نوع نگاه مودودی به بهبودگیتا مؤثر واقع شد، جنبش شودی یا ملی‌گرایی هندو است. همزمان با جنبش خلافت، تفکر اصلاحی آریاسماج توسط دایاناند سرسوتی پایه‌گذاری شد. بن‌مایه‌ی اصلی تفکر سرسوتی فراخوان سواراج و گزاره‌ی هند برای هندیان بر پایه‌ی ایدئولوژی ودایی در سال ۱۸۷۶م بود (Radhakrishnan, 2005:34؛ Kumar, 2003:62). بعدها تیلاک در تفاسیر خود بر مذهب هندو این امر را تأکید و بازبینی کرد. در سطح اجتماعی جنبش آریاسماج دارای مبلغان بسیاری بود که مخالفت‌های خویش را به طور علنی با اسلام ابراز نمودند. همزمان با فروپاشی جنبش خلافت یکی از با نفوذترین مبلغان وی، سوامی شردهانند بود که تبلیغات مؤثری را از سال ۱۹۱۷م در زمینه‌ی جنبش اصلاحی هندو انجام داد (Chhatra, 2005: 227). وی از فعالان جنبش سانگاتان بود و در آغاز تأسیس حزب مهاسیها در کنار گاندی حضور داشت (Bhatt, 2001:62). احتمال همکاری گاندی با شردهانند در حزب مهاسیها موجب ایجاد سوءظن در میان مسلمانان گردید. در

حقیقت تفسیر مودودی از بهگودگیتا نمایانگر فهم گروه‌های آریاسماج و امتداد آنان در کنگره ملی هند یعنی تیلاک بود و با تفسیر گاندی از بهگودگیتا چندان ارتباطی نداشت.

با اوج‌گیری جنبش شودی توسط سوامی شرده‌هاند و تبلیغات گسترده وی علیه مسلمانان، تعداد زیادی از علمای مسلمان علیه او اعلام موضع نمودند. دلیل اصلی این امر تبلیغات وی برای بازگرداندن گروه‌های موسوم به «ملکانه» به هندوئیسم بود (Thursby, 1975: 15). ظاهراً این امر منجر به تغییر آیین حدود یک میلیون نفر گردید. چنین جریانی، موجب درگیری‌های آیینی و سپس قتل شرده‌هاند توسط یکی از مسلمانان به نام عبدالرشید در ۲۳ دسامبر ۱۹۲۶م شد (Nagarkar, 1975: 164). این ترور موجی از انتقادات را نسبت به مسلمانان شبه‌قاره هند به راه انداخت. ابوالاعلی مودودی (به دعوت و راهنمایی محمدعلی جوهر) کتاب «الجهاد فی الاسلام» را به منظور پاسخ‌گویی به انتقادات وارده به دین اسلام نگاشت (مودودی، ۱۹۹۶: ۱۴). وی این کتاب را بر اساس فرضیه نبرد مقدس یا جهاد به رشته تحریر درآورد که در حقیقت تحریر تاریخی از نگاه ادیان به فلسفه نبرد مقدس است. وی در این کتاب ادیان هندوئیسم، بودایی، یهودی، مسیحی و اسلام را مطالعه کرده است. مودودی در فصل هندوئیسم، بهگودگیتا و مهابهاراتا را تجزیه و تحلیل کرده و با بیانی شیوا در صدد توضیح و تفسیر فلسفه و مفهوم نبرد مقدس برآمده است. همچنین مودودی برای مفهوم جهاد در اسلام و مقایسه آن با متن بهگودگیتا به ممیزاتی توجه کرده است.

۲. بهگودگیتا و مفاهیم نبرد مقدس

۱.۲. مفهوم دارما و قوانین الهی

اگر چه چارچوب اصلی به کار رفته در متن بهگودگیتا، بر پایه‌ی نبرد طایفه‌ای در جامعه‌ی آریایی و در قالب مفاهیم اصلی عرفان هندویی بیان شده است، در حقیقت در متن بهگودگیتا برای توجیه نبرد مذکور شواهدی از عرفان هندویی ذکر شده که بیانگر رشد و ترقی انسان (به مثابه‌ی عالم اصغر) در نظام الهی (به مثابه‌ی عالم اکبر) است. در این چارچوب آرجونا با راهنمایی کریشنا (مظهر خدای ویشنو) در تلاش برای خلاصی از وارنا (طبقات اجتماعی هندو) و امیال نفسانی، می‌بایست در نبرد کوروشترا شرکت کند و به موکشی یا سعادت دست یابد. در حقیقت هدف اصلی نبرد مقدس در بهگودگیتا بر پایه تصفیه‌ی امیال نفسانی و ایجاد گونه‌ای وحدت اجتماعی (با حفظ آداب و رسوم اجتماعی یا دارما) و کسب سعادت اخروی (موکشا) همراه است. این الگو در نظریات سنت آگوستین نیز دیده می‌شود. سنت آگوستین معتقد است برای حفظ فضیلت (دارما) و نظم اجتماعی بر پایه مفهوم مشترک المنافع (وارنا) و دستیابی به رستگاری (موکشا) می‌بایست ضرورت نبرد مقدس را درک نمود. بنابراین هر یک از مفاهیم فوق در ادامه بررسی شده است.

دارما یکی از مهمترین مفاهیم در ادیان هندویی است. دارما یک اصل سازمان دهنده در ارتباط با الگوهای رفتاری و طبیعی انسان‌ها و تمامی موجودات و اشیاء در جهان است (Rosen, 2006: 34-35). بنابراین دارما در مورد رفتارهای انسانی به قوانین حاکم بر جامعه، حقوق، الگوهای اخلاقی و فضایل اشاره دارد. بر این اساس، در متون هندوئیسم، مفهوم دارما با استعاره‌های نمادین قابل تفسیر است (Meyer, 1989: 92-93). در بهگودگیتا دارما با گونه‌ای تضاد و نگرانی همراه است. دلیل این تضاد وجود دارماهای گوناگون در داستان نبرد مذکور و انتخاب اجباری آرجونا از میان آنان است. در واقع آرجونا با فضیلت‌ها و سنن دوگانه‌ای روبه‌رو است و احتمالاً دلیل نبرد مذکور را باید در همین تضاد و دوگانگی جستجو کرد.

دارمای نخست، حفاظت از منافع قبیله پاندو و خانواده آرجونا است که در قالب اضطراب و تشویش آرجونا بیان می‌شود. این

الگوی رفتاری و سنن اجتماعی را می‌توان در این بخش از بهبودگیتا مشاهده کرد: «چون شیرازی خاندانی از هم بگسلد، آداب کهن از میان آنان برافتد و در پی این انحطاط معنوی فسق و فجور بر آنان چیره شود. و زنان از راه به در روند و و تباهی آنان موجب فساد نسل گردد و فساد نسل خاندان و مسبب تباهی آن را به دوزخ کشاند و خیرات و مبرات و دادن برنج و آب متوقف شود» (بهبودگیتا، ۱۳۸۵: ۶۶). با این همه، دارمای دوم که توسط کریشنا مطرح گشته از منظر رشد معنوی شخص و جامعه قابل طرح است. کریشنا برای قانع نمودن آرجونا می‌گوید: «از نظرگاه طبقه خود نیز تو نباید از جنگ سر باز زنی. چه برای طبقه‌ی جنگجویان چیزی والاتر از نبردی پاک نیست» (همان: ۷۳).

در حقیقت چالش مطرح شده در بهبودگیتا بر اساس فهم چگونگی نبرد مقدس قابل درک نیست؛ بلکه باید هدف و مقصد نبرد را ارزیابی کرد. با وجود اینکه مودودی معتقد است که در متن بهبودگیتا نمی‌توان مقصدی برای نبرد یافت، باید گفت که در متن بهبودگیتا نبرد به عنوان امری عرضی جهت غلبه دارما و قوانین الهی بر دارمای اجتماعی قبایل قابل مشاهده است. این امر در خطابه‌ی کریشنا به صراحت قابل مشاهده است: «آنجا که نیکوکاری از رونق برافتد (دارما) و تبه‌کاری بالا گیرد، من در قالب تن مجسم شوم و در میان مردم آمیم تا اساس خیر نگهبانی کنم و بنیاد شر براندازم» (همان: ۹۳). از این رو سخن مودودی در باب بی‌هدف بودن نبرد مقدس در متون بهبودگیتا، مورد تأیید نیست و احتمالاً بیانگر تأثیرات ساختار اجتماعی شبه‌قاره‌هند بر تفکر وی است.

۲.۲. مفهوم وارنا و طبقات اجتماعی

دومین مفهوم اساسی که می‌تواند روشنگر چارچوب نبرد مقدس در بهبودگیتا باشد، وارنا است. مفهوم وارنا بیانگر قشربندی جامعه هندو بر اساس استعدادهای ذاتی و خدادادی آنان است (Tenhunen, 2012: 34). در حقیقت این مفهوم گونه‌ای نظام اجتماعی ایده‌آل و دارای ثبات را مطرح می‌کند. بر اساس متون هندو چهار طبقه برهمن، کشاتریا، ویشیا و شودرا اساس نظم وارنا را تشکیل داده‌اند (Kumar, 2002: 411). دو مفهوم وارنا و دارما در واقع تأمین‌کننده ثبات و نظم اجتماعی و سیاسی جامعه هندو هستند. هر یک از طبقات وارنا، دارای دارماها و وظایفی است که موجب تعالی جامعه خواهند شد (Ibid: 411). برهمنان وظیفه‌ی تفسیر و تعلیم دین، کشاتریاها امور نظامی، ویشیاها امور کشاورزی و بازرگانی و شودراها امور خدماتی را بر عهده داشتند (عالمی، ۱۴۰۰: ۳۹-۲۸).

در بهبودگیتا نیز مفهوم وارنا با چنین ممیزاتی همراه است. بهبودگیتا نظام وارنا را در قالب استعدادهای هر یک از طبقات و دارای حرمتی الهی صورت‌بندی کرده است. «ای پهلوان دشمن شکن، کردار هر کس از برهمن، کشاتریا، ویشیا و شودرا بر حسب گناهایی که در جبلت اوست مقرر گردیده است (بهبودگیتا، ۱۳۸۵: ۲۰۶). مفهوم «گنا» به معنای ویژگی و کیفیت هر چیزی در فلسفه هندو به کار رفته است. بر اساس جهان‌بینی فوق در همه طبقات چهارگانه سه گنای اصلی یعنی ساتوا (به معنای خوبی، آرامش و هماهنگی)، راجاس (به معنای شور، فعالیت و حرکت) و تاماس (به معنای جهل، سکون و تنبلی) وجود دارد (Alban, 1930: 234-237). در بهبودگیتا مفهوم گنا در کنار مفهوم دارما بیانگر تمایل نظام اجتماعی هندویی به ثبات و ایجاد جامعه‌ای بر مبنای ایده‌آل‌های مذهبی است. چنانکه در بهبودگیتا، دارما به نوعی مقوم نظم وارنا است. این امر در گفتار هجدهم از بهبودگیتا چنین آمده است: «آرامش، زهد، خودداری، پاکی، بردباری، خردمندی، دانش و ایمان مذهبی. اینهاست وظیفه‌ی کسی که برهمن زاده شده است. دلیری، صلابت، ثبات، رو راستی، از جنگ نگریختن، جوانمردی و خواجگی وظیفه‌ی کشاتریان است. کشاورزی، گاوداری و

سوداگری وظیفه ویشیان و عملگی وظیفه شودران» (بهگودگیتا، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۰۷).

نکته مهم دیگر در ارتباط با مفاهیم وارنا و دارما، ضرورت انجام وظایف محوله (دارما) به هر یک از طبقات اجتماعی است. در حقیقت در بهگودگیتا همبستگی میان دارما و وارنا به گونه‌ای است که آرجونا به عنوان یک کشاتریا، می‌بایست جنگ و نبرد را به عنوان وظیفه‌ی خویش و فرار از آن را به عنوان یک رذیلت اخلاقی که موجب هلاکت می‌شود، به شمار آورد (همان: ۲۱۰). این امر چنان در متن بهگودگیتا مهم و اساسی است که راه ورود به سعادت جز با انجام وظایف امکان‌پذیر نیست. «با ثبات قدم و دل بستن در وظیفه می‌توان به کمال رسید. هر کی او را که همه هستی از اوست و بر همه محیط است، از راه انجام وظیفه‌ای که بر عهده دارد پرستش کند به کمال می‌رسد» (همان: ۲۰۷). بنابراین بررسی چگونگی رسیدن به کمال، ضرورت دارد.

۳.۲. مفهوم موکشا و رستگاری

مفهوم کمال و رستگاری در دین هندو با واژه‌ی «موکشه» بیان شده است. مفهوم موکشه به رهایی از چرخه‌ی سمسارا و تناسخ (Sharma, 2000: 113) و همچنین رهایی از جهل و صفات بد اطلاق شده است. این مفهوم در حقیقت بیانگر هدف نهایی زندگی بشر است. در بهگودگیتا مقام موکشا اینگونه توصیف شده است: «چون به براهمن فائز شود، همه آرام گیرد. غم و شادی بر او راه نیابد، همه مخلوقات را با یک چشم ببیند و به مقام والای محبت رسد. و آنگاه از راه محبت مرا به حقیقت بشناسد و بداند که من چیستم و کیستم و چون من را به حقیقت دریابد یکسره در من فانی شود و هر چه کند در پناه من بود و از جانب من به مقام جاوید بی‌زوال واصل شود» (همان: ۲۰۹).

مقام موکشا در بهگودگیتا به فلسفه‌ی وحدت وجودی پایند است که در سراسر کتاب مشاهده می‌شود. بنابراین به دلیل پشتیبانی جان هستی از دارما، در صورت رسیدن فرد به رستگاری، انجام وظایف در چارچوب وارنا برای طبقه کشاتریا، به معنای تقدس‌بخشی به نبرد آرجونا در کوروشترا است. همچنین راه رسیدن به سعادت نیز تنها از طریق وارنا و انجام وظایف و تکالیف میسر است. مودودی در تبیین فلسفه نبرد مقدس در بهگودگیتا، به مفاهیم به کار رفته در فلسفه هندویی و جایگاه و کاربست آن در این کتاب توجه نکرده است. از این رو با بیان ذات‌گرایانه در صدد تبیین مفاهیم به کار رفته در بهگودگیتا برآمده و این امر موجب نگرش سطحی او از فلسفه‌ی نبرد مقدس در بهگودگیتا شده است.

۳. شاخص‌های فلسفه نبرد مقدس در بهگودگیتا از دیدگاه ابوالاعلی مودودی

۳.۱. سمسارا و قتل در نبرد مقدس

ابوالاعلی مودودی برای تحلیل مسأله نبرد مقدس در آیین هندو، به کلیتی از دین هندو پرداخته است. بنابر نظر مودودی، هندوئیسم را نمی‌توان آیین منسجمی دانست؛ چرا که در آن، باورهای واحد قابل مشاهده نیست (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۳۰). به نظر می‌رسد نگاه جوهرانگاران مودودی به تعریف دین، سبب چنین برداشتی شده است. باید توجه داشت که علمای هندو در تعریف هندوئیسم، از رویکرد کارکردی بهره برده‌اند؛ چنان‌که هندوئیسم را مجموعه‌ی رفتار و اعمال هندوان تلقی کرده‌اند (Sen, 1893: 9). این امر نشانگر خوانش متفاوت مودودی از امر دینی در هندوئیسم است. با این همه، وی مدعی شده که برای بررسی مسأله نبرد مقدس به سه کتاب اصلی هندو یعنی بهگودگیتا، کتب ودا و منوسمرتی رجوع کرده است (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۳۱). وی در کتاب «الجهاد فی الاسلام» برای تبیین فلسفه نبرد مقدس در بهگودگیتا از سه مفهوم سمسارا (تناسخ)، حادث بودن موجودات و علم لدنی استفاده کرده است.

مودودی معتقد است فلسفه‌ی نبرد مقدس در بهگودگیتا بر مسأله تناسخ استوار است. اعتقاد به تناسخ به ادبیات پساودایی برمی‌گردد (Boyer, 1901: 451-53) و معرّف چرخه‌ای بودن حیات است که اغلب فرقه‌های هندویی بدان اعتقاد دارند (عالمی، ۱۴۰۰: ۷۰-۶۷؛ Garima, 2018: 1-3). انسان از دو من اصلی و غیر اصلی تشکیل شده است. من اصلی در زبان بهگودگیتا، آتمان یا روح است و من فرعی جسم آدمی است. آتمان فناپذیر و وجود اصیل تلقی شده که راه سعادت را تا رسیدن به سعادت و اتحاد با روح کلی می‌پیماید (Fowler, 1997: 10)؛ اما بدن آدمی در طی چرخه‌ای بر اساس عمل انسان تعویض می‌گردد. به این تعویض و تغییر بدن انسان و حلول آتمان در بدن‌های گوناگون، سمسارا یا تناسخ اطلاق می‌شود.

مودودی این تعریف از تناسخ را پذیرفته و تحلیل خود از نبرد مقدس را بر پایه‌ی فهم ذات‌گرایانه خویش از دین هندوئیسم بیان می‌کند. وی به منظور بیان تناسخ، از این فراز بهگودگیتا (که از زبان کریشنا است) استفاده کرده است: «تو غم کسانی را می‌خوری که نباید غم آنان را خورد. تو از حکمت دم میزنی در حالی که حکیم نه برای مرده و نه برای زنده غم نمی‌خورد. هیچ‌گاه نبوده که من نباشم یا تو نباشی یا دیگران نباشند. در آینده نیز هیچ‌گاه نخواهد بود که ما نباشیم. همچنانکه جان در قالب تن مراحل کودکی، جوانی و پیری را می‌گذراند، مرحله‌ی انتقال از قالبی به قالبی دیگر نیز چنان است و مرد کامل از این بابت تشویشی به دل راه نمی‌دهد» (بهگودگیتا، ۲: ۱۱-۱۳).

بنابراین مودودی معتقد است که در دین هندوئیسم قتل دارای ماهیتی تشریعی نیست و نباید موجب افسوس برای قاتل گردد (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۵۵-۳۵۶). همچنین از آنجایی که جسم برای روح به منزله لباس برای بدن است، عمل کشتن و قتل به معنای جدا کردن روح از بدن است و نباید آن را موجب گناه و از جرائم دانست (همان: ۳۵۶). به نظر می‌رسد مودودی در تحلیل فلسفه نبرد مقدس به بافت کلی متن بهگودگیتا توجه نکرده و تلاش نموده تا رویکرد جوهرانگاران از دین را، بر پایه‌ی تعاریف کارکردی هندویی بنیان نهد. از این رو مودودی در تحلیل شکل تشریعی نبرد مقدس و یافتن توجیهات دینی از قتل و کشتار در نبردهای مقدس در دین هندو، با چالش روبه‌رو بوده است.

۲.۳. اباحه‌گری و حدوث موجودات

استدلالات مودودی از بهگودگیتا بر اساس دو مفهوم از عرفان اسلامی استوار است که احتمالاً تحت تأثیر تصوف اسلامی در شبه‌قاره هند بوده و بیان‌کننده ترویج اباحه‌گری اجتماعی در امر دینی است. مفهوم اول در باب حدوث موجودات است. وی معتقد است از آنجا که همه موجودات حادث، بر اساس متن بهگودگیتا فانی هستند و ویژگی موجودات فانی نابودی است؛ بنابراین تفاوتی در چگونگی از میان رفتن آن‌ها نیست. این امر مسأله جرم‌انگاری قتل در بهگودگیتا را تحت شعاع قرار داده است. دوم مفهوم علم است. کسی که به مدارجی از عرفان دست یافته و علم لدنی از ناحیه‌ی الهی دریافت کرده است، همه اعمال برای او مباح است؛ بنابراین قتل انسان به عنوان گناه، جرم‌انگاری نخواهد بود (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۵۶).

به نظر می‌رسد مودودی در درک و تبیین مفاهیم دوگانه فوق دقت نظر نداشته است. نه تنها در متن بهگودگیتا گزاره‌ای که بیانگر فانی بودن موجودات باشد دیده نمی‌شود، بلکه در جملات گوناگونی عکس‌گزاره‌ی فوق به اثبات گذاشته شده است. به عنوان نمونه عبارت «همچنانکه جان در قالب تن مراحل کودکی، جوانی و پیری را می‌گذراند، مرحله‌ی انتقال از قالبی به قالبی دیگر نیز چنان

است» (بهگودگیتا، ۲: ۱۳)؛ که در حقیقت بیانی از ماندگاری وجود اصیل یا آتمان و گونه‌ای جاودانگی است.

همچنین مفهوم علم در عرفان، مبحثی بسیار قدیمی است که در عرفان اسلامی با سه‌گانه شریعت، طریقت و در عرفان موجود در بهگودگیتا به سه‌گانه عمل، علم و عشق پیوند می‌خورد. علم در بهگودگیتا از عبارت «این بود سخن در معرفت سانکھیا که تو را گفتم، این نیز سخنی چند از طریق یوگا گویم»، فهم می‌شود. موحد معتقد است که علم در بهگودگیتا از تحقیق جاودانی بودن آتمان و جدایی آن از تن و فهم فانی بودن تن و جاودانه بودن آتمان حاصل می‌شود. در حقیقت علم و دانش در این معنی بیانگر راهبری آن برای حصول به اتحاد و یگانگی با جنبه‌ی عالی نفس (براهمن) است (همان: ۴۵). بنابراین برخلاف نظر مودودی یگانه شدن با براهمن، تنها نشانگر مراحل بالای نفسانی است و در بهگودگیتا ارتباطی میان آن و نحوه‌ی نبرد مقدس نیست.

۳.۳. بی‌هدفی در نبرد مقدس

سومین موضوعی که مودودی از فلسفه نبرد مقدس در بهگودگیتا ترسیم نموده، بی‌هدفی در نبرد مقدس است. به نظر مودودی تنها مؤلفه‌ای که توانایی توجیه قتل‌های ناشی از نبرد را دارد، هدف آن است (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۵۷). او برای اثبات سخن خویش به چند فراز از بهگودگیتا اشاره نموده است؛ چنان‌که کریشنا به آرجونا می‌گوید: «از نظرگاه طبقه خود نیز تو نباید از جنگ سر باز زنی. چه برای طبقه‌ی جنگجویان چیزی والاتر از نبردی پاک نیست. خوشا به حال کشتریان، ای پسر پریتا که به چنین جنگی فرا خوانده شوند. دولتی بی‌طلب که دروازه بهشت را بر روی آنان بگشاید. اما اگر از این جنگ پاک سرباز زنی، از قوم خود و از شرف خود برتافته، مرتکب گناه خواهی شد. نام تو در جهان هماره به بدی خواهد رفت و آزادگان را بدنامی از مرگ بدتر است» (بهگودگیتا، ۲: ۳۰-۳۴).

همچنین مودودی به فرازی دیگر استشهد نموده است: «و جنگاوران نامدار چنین خواهند پنداشت که تو از ترس روی از جنگ نهفته‌ای. و نزد کسانی که به دیده‌ی حرمت به تو نگریسته‌اند، خوار و بی‌اعتبار خواهی شد و دشمنان بر دلیری تو طعنه‌ها خواهند زد و ناگفتنی‌ها خواهند گفت، چه دردی از این گرانتر. اگر بمیری راه بهشت به رویت باز شود و اگر پیروز گردی ملک این جهان‌یابی» (همان: ۳۵-۳۷).

همانطور که در فراز قبلی تشریح شد، خوانش مودودی از بهگودگیتا بر پایه‌ی رویکرد جوهر‌انگارانه به دین استوار است. از این‌رو وی به فلسفه و اهداف نبرد مقدس در اعتقادات هندوان دقت نظر نداشته است. زیرا بافت کارکردگرایانه‌ی بهگودگیتا، نمی‌تواند خوانش جوهر‌گرایانه را بپذیرد.

منظور از بافت کارکردگرایانه متن بهگودگیتا، فهم ساختار اجتماعی و چارچوب اصلی این متن برای بیان داستان نبرد است. باید توجه کرد که در ساختار اجتماعی، نبرد کوروشترا در حقیقت نبردی طایفه‌ای است که دارای ویژگی‌ها و اهداف خاصی است. برای نمونه بی‌اعتباری و ترس از طعنه‌ی دیگران، روایتگر جامعه‌ای سنتی و طبقاتی است که نبردهای آن نیز بر اساس منافع قبایل قابل تشخیص است. جالب توجه است که مودودی در مقدمه‌ای که در باب فلسفه‌ی نبرد در بهگودگیتا نگاشته، به ابعاد قبیله‌ای جامعه آریایی واقف بوده است؛ لیکن این امر را در تحلیل و خوانش خود از متن بهگودگیتا دخالت نداده است (مودودی، ۱۹۹۶: ۳۵۰-۳۵۵). همچنین در متن بهگودگیتا، سیطره‌ی نگاه کارکردی به گونه‌ای است که فلسفه‌ی نبرد مقدس را می‌بایست در سایه چارچوب فلسفی ارائه شده در کل متن و محتوا درک نمود؛ چنان‌که فهم مجزای گزاره‌های موجود در آن، به تفسیری کامل از نبرد مقدس نخواهد انجامید.

۴. نتیجه

در آغاز قرن بیستم میلادی، علیرغم آن که با شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در شبه قاره هند، اتحاد و هم‌بستگی در جوامع مسلمان و هندو ترویج یافت، گسترش تفکرات انحصارطلبانه مانند شونیسیم هندویی سبب شکاف اجتماعی و مذهبی در این منطقه گردید. در این میان قتل شرده‌انند از مبلغان هندو مذهب توسط یکی از مسلمانان به اتهام توهین به پیامبر اکرم (ص)، موجی از انتقادات به دین اسلام را برانگیخت. نقطه اساسی انتقادات به دین اسلام از سوی هندوها به مفهوم جهاد ارتباط می‌یافت. تعدادی از دانشمندان مسلمان برای دفاع از دین اسلام به نگارش جزوه‌هایی در این موضوع پرداختند. از جمله این افراد ابوالاعلی مودودی بود که کتاب «الجهاد فی الاسلام» را با تشویق محمدعلی جوهر، رهبر جنبش خلافت تحریر نمود. ابوالاعلی مودودی از جمله دانشمندان مسلمانی بود که در سیر فکری خود به گونه‌ای از سلفی‌گری پایبند گردید. شخصیت اصلی وی در دنیای سیاست رشد و ترقی یافت و در تشکیل پاکستان و ایجاد ساختارهای حقوقی آن نقش ایفا نمود. کتاب «الجهاد فی الاسلام» در حقیقت اولین کتاب وی به معنای یک تحقیق جامع در دین است. از این منظر مسأله اساسی این کتاب جهاد در اسلام و سایر ادیان است؛ چنان‌که بخش قابل توجهی از آن به مبحث نبرد مقدس یا جهاد در دین هندونیسیم اختصاص یافته است.

مودودی در پژوهش خود از سه منبع اصلی در دین هندو یعنی کتب ودا، بهبودگیتا و منوسمرتی بهره برده است. وی معتقد است نبرد مقدس در بهبودگیتا دارای سه شاخصه‌ی اصلی تناسخ یا چرخه سمسارا، اباحه‌گری و بی‌هدف بودن است. بر اساس استدلال مودودی، اعتقاد به چرخه‌ی تناسخ در بهبودگیتا سبب از میان رفتن بعد تشریعی نبرد مقدس و بروز اباحه‌گری در قتل خواهد شد. از این‌رو به نظر می‌رسد فهم مودودی از نبرد مقدس از اعتبار چندانی برخوردار نیست.

قابل ذکر است که متن بهبودگیتا دارای بافتی کارکردی است که با رویکرد جوهرگرایانه مودودی قابل تفسیر نیست. منظور از بافت کارکردی در بهبودگیتا، ساختار اجتماعی و چارچوب فلسفی ارائه شده در این کتاب است. ساختار اجتماعی جامعه آریایی از الگوی قبیله‌ای پیروی می‌کرد که چارچوب فلسفی خاصی را برای نبرد تدارک دیده بود. در این چارچوب سه مفهوم اصلی دارما، وارنا و موکشه تعیین‌کننده بودند. دارما مفهومی سازمان‌دهنده و شامل الگوهای اخلاقی و سنن اجتماعی بود. وارنا به طبقات اجتماعی جامعه هندویی اشاره دارد که بر اساس طبیعت انسان‌ها، از آغاز خلقت تعیین شده‌اند. چهار طبقه برهمن، کشاتریا، ویشیا و شودرا در این سازماندهی قرار دارند. هر یک از طبقات چهارگانه دارای وظایفی بودند که در صورت پایبندی به آن، فرد مذکور را به سعادت نهایی نزدیک می‌کرد. رستگاری در دین هندو با لفظ موکشا استعمال می‌شود که بیانگر رهایی از چرخه سمسارا یا تناسخ است. بر این اساس بر خلاف نظر مودودی، هدف نهایی نبرد مقدس در بهبودگیتا بسیار والا و مقدس است. شخصیت اصلی داستان بهبودگیتا فردی از طبقه‌ی کشاتریا به نام آرجونا است. آرجونا برای رسیدن به هدف نهایی و رهایی از چرخه سمسارا، می‌بایست وظایف طبقه‌ی خویش را به خوبی انجام دهد. از این منظر نه تنها ابعاد تشریعی دین هندو در نبرد لحاظ می‌شود، بلکه پایبندی به این وظایف - که جزو دارمای طبقه‌ی وی به شمار می‌رود-، لازمه‌ی دستیابی و وصول وی به حقیقت هستی بوده است.

منابع

- بارنز و بکر (۱۳۸۵). تاریخ اندیشه اجتماعی، از جامعه ابتدایی تا جامعه جدید، ترجمه و اقتباس جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- تیموری بازگری، مهدی (۱۳۸۷). *اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سید ابوالاعلی مودودی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما غلامرضا ظریفیان شفیع، دانشگاه تهران، شماره ثبت ۳۸۷۸۱.
- حیدر نژاد، یوسف (۱۳۹۹ الف). «ابوالاعلی مودودی و طرح ایده اصلاحات دینی، اجتماعی و سیاسی»، *چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام*.
- حیدر نژاد، یوسف (۱۳۹۹ ب). *فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جماعت اسلامی در پاکستان (۱۹۸۸-۱۹۴۷ م)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما خدیجه عالمی، دانشگاه تهران، شماره ثبت ۱۰۸۰۳۴.
- خورشید، عبدالسلام و روشن آراء راؤ (۱۹۹۳). *تاریخ تحریک پاکستان، اسلام‌آباد: بی‌نا*.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴). «جنگ، انواع و انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، *رواق اندیشه*، ش ۴۶.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۶). *تاریخ فلسفه سیاسی غرب از آغاز تا پایان سده‌های میانه*، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عالمی، خدیجه (۱۴۰۰). *فتوح اعراب و ترکان در شبه قاره هند*، تهران: سروش.
- عباسی، مجید و مرادی، حسین (۱۳۹۴). «جنگ سایبر از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه»، *مجلس و راهبرد*، سال ۲۲، ش ۸۱.
- مجهول (۱۳۹۹/۲/۶). «تعارف بانی جماعت سید ابوالاعلی مودودی»، *سایت جماعت اسلامی پاکستان*، آدرس اینترنتی <https://www.jamaat.org/founder>
- مسائلی، محمود و ارفعی، عالیہ (۱۳۷۱). *جنگ و صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- مشیرالحسن (۱۳۶۷). *جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۵). *گیتا (به‌گود گیتا) سرود خدایان*، تهران: خوارزمی.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۹۹۶). *الجهاد فی الاسلام*، لاهور: اداره ترجمان القرآن.
- هاردی، پیتر (۱۳۶۹). *مسلمانان هند بریتانیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بی‌نا.
- Azmi Ozcan (1997). *Pan-Islamism: Indian Muslims, the Ottomans and Britain, 1877-1924*, Leiden: Brill Academic Pub.
- Aziz Ahmad (1967). *Islamic modernism in India and Pakistan: 1857-1964*, London: Oxford University Press.
- Ayesha Jalal (2000). *Self and sovereignty: individual and community in South Asian Islam since 1850*, London: Routledge.
- Richard L. Johnson (2006). *Gandhi's Experiments with Truth: Essential Writings by and about Mahatma Gandhi*, Lanham: Lexington Books.
- Dutta, Mohua (2014). "The Bhagavad Gita – The Politics of Interpretation and its Interpretation in Politics", *International Journal of English and Education*, Volume:3, Issue:4, pp 333-340.
- Radhakrishnan, S. (2005). *Living with a Purpose*, New Delhi: Orient Paperbacks.
- Kumar, Raj (2003). *Essays on Modern Indian Abuse*, New Delhi: Discovery Publishing House.

- Salmond, Noel Anthony (2004). *Hindu Iconoclasts: Rammohun Roy, Dayananda Sarasvati, and Nineteenth-Century Polemics Against Idolatry*, Toronto: Wilfrid Laurier University Press.
- G.S. Chhatra (2005). *Advanced Study in the History of Modern India*, New Delhi: Lotus Press.
- Chetan Bhatt (2001). *Shraddhanand Hindu Nationalism: Origins, Ideologies and Modern Myths*, New York: Berg.
- G. R. Thursby (1975). *Controversy Hindu-Muslim Relations in British India: A Study of Controversy, Conflict, and Communal Movements in Northern India 1923–1928*, Leiden: Brill.
- V. V. Nagarkar (1975). *Genesis of Pakistan*, India: Allied Publishers.
- Sen, Guru Prasad (1893). *Study Of Hinduism*, Kolkata: Thacker Spink and Co.
- A.M. Boyer (1901). *Etude sur l'origine de la doctrine du samsara*, Paris: Imprimerie nationale.
- Jeaneane D. Fowler (1997). *Hinduism: Beliefs and Practices*. Sussex Academic Press.
- Yadav, Garima (2018). "Abortion (Hinduism)", in Jeffery D. Long, Rita D. Sherma, Pankaj Jain, Madhu Khanna *Hinduism and Tribal Religions, Encyclopedia of Indian Religions*, Springer Netherlands, pp 9-12.
- Rosen, Steven (2006). *Essential Hinduism*, California: Praeger.
- Meyer, Johann Jakob (1989). *Sexual life in ancient India*, New Delhi: Motilal Banarsidass.
- Kumar, Arun (2002). *Encyclopaedia of Teaching of Agriculture*, New Delhi: Anmol Publications.
- Tenhunen, Sirpa; Säävälä, Minna (2012). *An Introduction to Changing India: Culture, Politics and Development*, New Delhi: Anthem Press.
- Alban Widgery (1930). "The principles of Hindu Ethics", *International Journal of Ethics*, Vol. 40, No. 2. pp. 232-245.
- Sharma, Arvind (2000). *Classical Hindu Thought: An Introduction*, London: Oxford University Press.